

از لابلای یادداشت و نیشته های روزمره ام

ایالات متحده - ناتو و سوال ترک اراضی کشور ما چگونگی فراخواندن نظامیان به محلات وضع الجیش حضور یا عدم حضور ملکی و نظامی غرب

دسته بندی های نظامی و عملکرد آنها در کشور
منابع تأدیه وجوه مالی تداوم درگیری
نحوه سر بازگیری و ایجاد متحدان
پس منظر حوادث

ایالات متحده در مورد خروج نظامیان "پیروزمندش" از افغانستان
چه نیازی به تصویب لایحه ای از جانب مجلس سنای آن کشور

در مورد دارد؟ آیا چنین اقدامی بمنظور انفجار کشور ما از درون،
آتش زدن به آسیای مرکزی، خلع سلاح منطقه و تبدیل رقبای
ضعیف آن کشور به مدعیان قوی تری نمی باشد؟ آیا سیر حوادث
تاریخی و واقعیت امر را با ثبات خواهد رساند؟ در مورد چگونگی
اصل موضوع مورد نظر، برداشت ها و نتیجه گیری های موجود
را باید سبک و سنگین نموده و با پذیرفتن مسوولیت در زمینه و با
در نظر داشت منافع ملی کشور عزیز، باید ابراز نظر نمود و پادریک
شناخت مسوولیت وطنی، بانجام رسالت های میهنی و مردمی مبادرت
درت ورزیده و دین موجود را با کمال امانت و صداقت به سر
انجام مقصود رساند.

نخست از همه، درباره مسأله مورد بحث همینقدر باید یادآور شد که رایند پاول، سناتور جمهوری خواه همراه با تام یودول
همکار دموکراتش، لایحه ای را تهیه و غرض تصویب به کنگرس ایالات متحده ارسال نمودند که در آن از توقف عملیات نظامی
در افغانستان تقاضا بعمل آمده است، عملیات حربی و نظامی ای که از سپیده دم سده روان آغاز گردیده و تاکنون همچنان ادامه دارد.
با تصویب لایحه یادشده، ایالات متحده مکلف خواهد بود تا در مدت زمان ۴۵ روز، برنامه خروج نظامیان آن کشور از افغانستان
را تهیه نموده و مدت زمان خروج نیز طی یک سال باید انجام پذیرد. این ابتکار عمل در نوع خود، اساس و بنیادی را بمنظور آشتی
سیاسی پایه گذاری خواهد نمود. آشتی و مصالحه ای که خود افغان ها بگونه مستقیم در آن سهیم باشند. همچنان در طرح پیشنهادی
به کنگرس ایالات متحده، از لغو مجوز استفاده و بکارگیری نیروی نظامی علیه تروریست ها که پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱،
کنگرس ایالات متحده به رئیس جمهوری آن کشور تجویز نموده بود، نیز تذکر بعمل آمده است. بگفته بسیاری ها، نه تنها خروج
نظامیان آن کشور از افغانستان باید برنامه ریزی گردد، بلکه باچنین خروجی، بگذارید آرامش به کشور عزیز ما بازگردد.

مطابق گفته های سناتور پاول، نویسنده لایحه یادشده، "جنگ طولانی مدت در افغانستان، بگونه مستقیمی به تضعیف وضعیت
امنیت داخلی ایالات متحده انجامیده، میزان بدیهی های دولتی را بگونه سرسام آوری افزایش بخشیده و دشمنان جدیدی را برای
ما و متحدین ما بوجود آورده که بگونه پیهم و دوامداری به تهدید ایالات متحده و هم پیمانان ما مبادرت می ورزند."
جمهوری خواهان در ایالات متحده معتقدند که زمان آن فرارسیده تا "اعلام پیروزی" نماییم، پیروزی و موفقیتی راتجلیل نماییم

که امریکا و امریکاییان از مدت ها قبل منتظر آن بوده و در نتیجه، نظامیان امریکایی به خانه و منازل شان باز می گردند تا با استفاده از امکانات و با توجه به نیازهای موجود در داخل ایالات متحده، بکارهای صلح آمیز مبادرت ورزند.

یکی از جمله حامیان دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده اظهار داشت که از آغاز سال ۲۰۰۱ بدینسو، بیشتر از ۲۳ هزار تن از نظامیان امریکایی در افغانستان کشته شده و مبلغ ۲ تریلیون دالر در اجرای عملیاتی های نظامی در افغانستان هزینه گردیده است. البته، بخش بیشتری از وجوه متذکره، بمنظور رفع ضروریات نظامیان امریکایی اختصاص داده شد.

قابل یاددهانی می باشد که یوئل، سناتور دیگرا امریکایی از حزب دموکرات آن کشور نیز معتقد است که جنگ و درگیری کنونی در سرزمین افغان ه هر چه زودتر باید خاتمه پذیرفته و به یقین که بازگشت و تحکیم ثبات در اراضی افغانستان نیز حکم زمان محسوب می گردد.

نشریه دیگری نیز به نقل از منابع مسوول رسمی واشنگتن، در مورد طرح لایحه یادشده چنین اظهار نظر نموده و نوشت که دلیل چنین اقدامی، ساده و روشن می باشد. نظامیان امریکایی موفق به دستیابی به بخش اعظمی از اهداف عمده مطروحه پس از ۱۱ سپتامبر گردیدند. بن لادن کشته شد و "القاعده" هم از نقطه نظر عملیاتی فلج گردید. وزارت دفاع ایالات متحده، در ماه جون سال پار اعلام نمود که "تهدید" "القاعده" علیه ایالات متحده و هم پیمانانش به حداقل رسیده و سایر اعضای کلیدی گروه یادشده، بیشتر بفرجه چگونگی ادامه حیات شان می باشند تا تداوم نبرد و انجام اقدامات تروریستی.

بگونه کلی، چنانچه می گویند که همه موارد خوب بوده، جاذبه های زیبای عملکردها بمشاهده رسیده و بیش از هر زمان دیگر ی، همه امور طورکمال مطلوب اجرا می گردد. بر بنیاد آمار منتشر شده، ۶۱ درصد امریکایی ها از عودت نظامیان کشورشان از افغانستان پشتیبانی بعمل می آورند. بسیاری ها، واکنش یادشده را درست و بجا پنداشته و استدلال منتقدان امریکایی را از بنیاد مورد انتقاد قرار می دهند. از آنجایی که در صورت عکس مطلب، چنین بنظر می رسد که قوت های نظامی ایالات متحده هرگز حاضر به ترک محلی نخواهند شد که در آنجا استقرار یافته اند، چه چنین استدلال می گردد که به مجرد خروج آنها از محل مربوط، جای خالی آنها توسط تروریست ها اشغال خواهد گردید. چرا که دستورالعمل جنگ، اصلن به زمان و مکانی محدود نگردیده است.

آیا می توان از اصل پیروزی در اراضی افغانستان سخنی بمیان آورد؟

نظامیان امریکایی از ماه دسامبر سال ۲۰۰۱ بدینسو در اراضی کشور ما رحل اقامت افکنده اند. در اوج عملیات علیه "ترور"، تعداد مجموعی نظامیان غربی به ۱۵۰ هزار نفر می رسید. ستون فقرات نیروهای یادشده را نظامیان امریکایی تشکیل می دادند. اما بخش هایی از نیروهای نظامی ایالات متحده و ناتو طی سال ۲۰۱۴ اراضی کشور ما را ترک گفتند. در حال حاضر، بتعداد ۱۴ هزار تن از مریبان و مشاوران نظامی "ائتلاف" در کشور ما وجود دارند. نیروهای دولتی و نظامیان خودی، مطابق ادعای بعضی ها، بگونه قابل قبولی با اجرای مسوولیت ها و انجام وظایف شان نمی پردازند. طبق آمار به نشر رسیده، در طول روز تا ۶۰ درصد و در طول شب تا ۸۵ درصد اراضی کشور تحت اداره "طالب" ها قرار دارد.

دروضع کنونی، بخش هایی از صفحات شمال کشور تحت نظارت و اداره گروه های "داعش" قرار دارد. حاکمیت مرکزی در کشور ما بمشکل حتا قادر به حفظ امنیت کابل بوده که گاهگاهی شاهد اقدامات تروریستی و خونینی نیز می باشد. "طالب" ها با "داعش" از در مخالفت برخوردار بوده و به تصرف بسیاری از مناطق کشور موفق گردیده و عملن در صدد اثبات رسانیدن این امر می باشند که کی مالک اصلی افغانستان محسوب می گردد؟

قرار است طی ماه جولای سال روان، ایالات متحده، مذاکرات و گفتگوها را با "طالب" ها از سر گرفته و در مورد تقلیل نظامیان آن کشور از اراضی افغانستان به توافقی نایل آیند. دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، طی آخرین صحبت، خطاب به مردم کشورش اظهار داشت که در اول امر، تصمیم به فراخوانی نظامیان کشورش از افغانستان اتخاذ گردید، اما بعدها، با تقاضای جنرال هایی که با تصمیم متذکره مخالفت ورزیده و چنین ادعا نمودند که کشورهای بزرگ، درگیری ها و جنگ های طولانی مدت را مردود می پندارند. همچنان، منافع جیوپولیتیک ایالات متحده، قبل از همه و بیش از سایر موارد، برای آن کشور در الویت قرار دارد. چرا اینهمه ناگهانی؟

ترکیبی از تصمیم اینچنینی در مورد چگونگی حضور نظامی و جنگی ایالات متحده و هم پیمانانش در کشور ما، جنبه های مختلفی را در خود نهان دارد. ایالات متحده پس از تریدیه های فراوانی مشتاق آن بود تا اظهارات و شورو شوق های زمان آغاز عملیات رز می و جنگی آن کشور در افغانستان را یکبار دیگر تکرار نماید که بگونه کلی بازگویی این امر می باشد که ایالات متحده از اجراء و مراعات آتش بس در کشور ما پس از خروج کامل نظامیان آن کشور از افغانستان مطمئن می باشد. اما پرسشی مطرح می گردد که در کنار کشور ما، ایالات متحده در صدد رقم نمودن چه سرنوشتی برای آسیای مرکزی می باشد؟ یا آنرا خواهد گذاشت تا با استفاده از امکانات و ریزرف های موجود کشورهای روسیه، چین و پاکستان همراه با نارضایتی هایی که از رهگذر مناسبات تنگاتنگ اسلام آباد با واشنگتن موجود است، استفاده نمایند؟

در ایام پسین، جنگجویان تحت نظارت ایالات متحده، تسلط شان بر مناطق شمال کشور را توسعه بخشیده و امکانات گسترش آن به مناطق آسیای مرکزی نیز در دستور کار نظامیان ایالات متحده و ناتو قرار دارد.

ایالات متحده به هدف ایجاد درد سرهای بیشتری به پکن، در صدد تحکیم مواضع "داعش" در مناطق غیرپشتون شمال کشور ما می باشد. در مناطق و محلات متذکره، چرخ بال هایی بدون علامه و بدون مشخصه ای، افراد و جنگجویان موردنظر و معاونت های تسلیحاتی را همراه با محموله هایی به محلات و مناطق موردنظر انتقال می دهند.

بخاطر باید داشت که سناریوهای جالبی در منطقه ما در حال شکل گیری می باشد. نیروهای ویژه ایالات متحده به آزادی آنچه از فرماندهان داعش از اسارت "طالب" ها مبادرت ورزیده و همچنان، نیروهای ویژه امریکایی، در صدد شدند تا آنچه از قوماندان ها و فرماندهان "داعش" را که خواهان وسعت حاکمیت در اراضی متعلق به افغانستان و مناطق پشتون نشین پاکستان می باشند، رهایی بخشند. آنها با این کارشان، قصد ندارند تا اسلام رادیکال در شمال را با خطر مواجه نموده و از قتل عام های آسیای مرکزی جلوگیری بعمل آورند.

"داعش" به کمک ها و معاونت های ایالات متحده شدید نیاز دارد تا به تحکیم مواضعش در شمال کشور و در نزدیکی های فدرا تیف روسیه مبادرت ورزیده و ورود و سرارزیرشدن میلیون ها مهاجر را بانجا مساعد و مهیا نموده و جمهوری های آسیای میانه را با بی ثباتی مواجه نماید.

طرح پیشنهادی در مورد خروج نظامیان امریکایی از افغانستان که چندی قبل به کنگرس ایالات متحده ارائه گردید، در نوع خود، زیگنالی مبنی بر این امر محسوب می گردد که منطقه متذکره، حتا بمقایسه خاورمیانه نیز بمثابه مهمترین و حساس ترین منطقه ستراتیژیک بشمار می آید.

همچنان قابل تذکر می باشد که در این ایام پسین، سخن از گفتگوهای صلح ایالات متحده با "طالب" ها سرزبان هاست، اما تفکر متذکره بگونه غیر مستقیم نه تنها بازگویی موجودیت معضلات، بلکه حضور موانع چندگانه سیاسی در این مورد نیز می باشد.

با در نظر داشت وضعیت منحصر بفرد کنونی باید متذکر گردید که اصل اطلاع رسانی از چگونگی شرایط مشخص کشور ما، شخصیت اختیاری بخود اختیار نموده است. در کشور عزیز ما چه اتفاق هایی در شرف تکوین می باشد؟ آیا در محدوده افغانستان، حوادثی بگونه همیشگی و معنا داری اتفاق می افتد؟ بلی وثبات از دیر زمانی بدینسواز کشور ما رخت سفر بر بسته است. تروریست ها دستگیری شوند اما از نتیجه بعدی تحقیقات، هیچگونه اطلاعی در دست نمی باشد. درب زندان ها توسط امریکایی ها گشوده شده، داعشی هایی که توسط "طالب" ها باسارت گرفته شده و دوستان امریکایی ها محسوب می گردند، بگونه سخاوتمندانه ای آزاد می گردند.

این مهم نیست که "داعش" چه می کند و "طالب" به چه اقدامی متوسل می گردد، بلکه مهم آبشخور مشترک گروه های یادشده می باشد. برای اداره و اشنگتن، از بین بردن گروهی از تروریست ها توسط گروه های دیگر تروریستی در الویت قرار دارد. اگر بدون رعایت اصول دیپلماتیک، حصول چنین موافقتنامه ها ساده باشد، پس ایالات متحده نظامیان آن کشور را از افغانستان فرا خوانده و به و اشنگتن امکان نجات و رهایی از وضع موجود را میسر و مهیا خواهد نمود.

نکته اصلی و قابل ذکر، از جمله یکی هم، چنین پنداشته می شود که با فراز آمدن "طالب" ها به قدرت سیاسی در کشور، آیا تصویری سیاسی، ژئوپولیتیک و نحوه عملکردهای آنها در قبال رقبای شان در اذهان زنده خواهد شد؟

نماینده دفتر سیاسی "طالب" ها در قطر اعلام نمود که یگانه شرط آغاز مذاکرات و گفتگوهای بین الافغانی، اعلام جدول زمانبندی فراخوانی نظامیان امریکایی از افغانستان می باشد. نامبرده همچنان افزود، زمانی که چنین جدولی ترتیب و باطلاح همگان رسانده شود، این امکانی میسر خواهد گردید تا افغان ها بگونه دستجمعی در مورد آینده کشورشان تصمیم اتخاذ نمایند.

نامبرده، هیچگونه اطلاع یا خبری در مورد مذاکرات بین الافغانی بزبان نیآورد. مطابق اطلاعات و سایل جمعی کشور، در مشوره هایی که با جانب چین بعمل آمد، کشور اخیر الذکر از "طالب" ها تقاضا بعمل آورد تا درگام نخست در مورد آتش بس و تداوم آن توافق حاصل گردد. قرار است هفتمین دور مذاکرات و گفتگوها میان امریکایی ها و "طالب" ها طی ماه جولای سالروان از سر گرفته شود.

قرار اظهارات مسوؤلان، مذاکرات و گفتگوهای یادشده از ۶ - ۷ ماه جولای سالروان باحضور نماینده آلمان در قطر بکارش ادا مه خواهد داد.